

ما و التزامات و امتناعات کنشگری

محمود صفدری

منتخب فرهنگیان خراسان شمالی در انتخابات شورای عالی آموزش و پرورش و عضو شورای مرکزی سازمان معلمان ایران

دور جدید کنش های صنفی و اعتراضات معلمان، به ویژه تجمعات میدانی آنان، اگر چه به لحاظ ماهیت، اتفاق تازه ای نیست اما از نظر پیش زمینه ها و پس زمینه ها، در نوع خود جدید و بدیع می نماید.

شاید بتوان حضور پرتعدادتر، آرامتر و مدنی تر، اعتراض حول شعارهای مشخص، پرهیز از هیجانی شدن، وجود رگه هایی پیرنگ از حضور و حمایت تشکل های سیاسی از مطالبات صنفی تجمع کنندگان و نیز عدم انحراف اعتراضات توسط معلمان و حمایت قاطع و شفاف آنان از بیانیه های شورای هماهنگی در این کنش ها از نکات مثبت برجسته آن دانست. در عوض، خودزنی و دیگرزنی های برخی از فعالان این حوزه و نشانه رفتن انگشت اتهام به سمت دیگر افراد و تشکل های حزبی معلمان از نقاط ضعف پیرنگ این سلسله کنش ها بود.

به نحوی که کار از بحث و جدل های توئیتری و کلابهاوسی و یارکشی های تلگرامی گذشته و به علم کردن پلاکاردهای مثلاً "ما سازمان نظام معلمی نمی خواهیم" در یکی از شهرهای جنوبی کشور رسید.

هر چند اختلاف سلیقه در این عرصه ها امری طبیعی و حتی ضروری است اما برخی اظهار نظرها و موضع گیری ها به ویژه در فضای پرمخاطب و ماندگار مجازی، انسان را به تعجب وادار می دارد و زنگ خطر تهدیدات جدی در مقوله "اتحاد معلمان" را بصدا در می آورد.

از جمله این موارد توئیت تند و خطرناک یکی از معروفترین و محبوبترین معلمان کنشگر صنفی حال حاضر کشور، خطاب به یکی از صادق ترین و با پرنسیب ترین کنشگران رسانه ای معلمان کشور به بهانه ی مصاحبه ای - بقول مصاحبه شونده #تحریفشده- با مشرق نیوز بود که او را بطور مشخص با عنوان #عامل امنیتی خطاب کرده بود و از آنجا که هر دو عزیز از سابقون صنفی و هر دو هزینه داده و دلسوز این عرصه هستند، وقوع این اتفاق نادر، باید هر کنشگری را به اندیشه ای ژرف و اقدامی عاجل وادار دارد وگرنه معلوم نیست این آتش کجا را و دود آن چشم چه کسانی را خواهد سوزاند.

در یکی از گروه‌های تلگرامی فرهنگیان در پاسخ به سوال دوستی که از من خواسته بود درباره این موضوع اظهار نظر کنم ابتدا به یک متن کوتاه بسنده کردم ولی بعد با استقبال و توصیه برخی از دوستان دلسوز بر آن شدم جهت ثبت در تاریخ کنشگری صنفی، آن را به یک یادداشت برای انتشار ارتقاء داده و به این وسیله ادای دینی به ساحت بلند معلمان کشور بطور اعم و این دو معلم عزیز و گرانقدر بالاخص، داشته باشم.

در مورد آقای علی پورسلیمان و اتهاماتی که به ایشان وارد می شود، بعرض می رسانم با شناختی که بنده از ایشان دارم، یکی از شریف ترین، با شخصیت ترین و با پرستیژترین فعالان حوزه رسانه معلمان حال حاضر کشور است.

ایشان از اعضای اولیه و موسس کانون صنفی تهران و سازمان معلمان ایران بوده که در قامت عضو شورای مرکزی سازمان معلمان ایران، مدیریت سایت سخن معلم (ارگان رسانه ای قبلی و فعلی سازمان معلمان ایران) را بعهده داشت و در اثر کنش های صنفی دهه هشتاد بازداشت و محکوم به زندان شدند.

با عنایت به تیپ شخصیتی منظم و نگاه ایده آلیستی ای که دارد صبر تشکیلاتی اش کم و تاب آوری اش در برابر طرح موضوعات فرعی و مخاطبان غیرحرفه ای یا حتی نیمه حرفه ای کم است. به نحوی که ممکن است مواجهه با ایشان در اولین برخوردها برای مخاطب عام جذابیتی ایجاد نکند.

بخاطر همین دیدگاهها و عدم سازگاری با برخی افراد و افکار از سازمان معلمان ایران جدا شد و سایت صدای معلم را راه انداخت و سالهاست به تنهایی، با تلاش بی شائبه و شبانه روزی، بسیار منظم و جدی آن را به یکی از بزرگترین مراجع خبری-تحلیلی حوزه آموزش و پرورش با یک کانال تلگرامی با قریب ۵ هزار نفر عضو تبدیل کرده است.

پروتکل های حرفه ای ایشان آنقدر سختگیرانه است که هر یادداشت و تحلیلی را برای بازنشر در سایت نمی پذیرد و صداقت و صراحت ایشان در مواجهه با اربابان قدرت و صاحبان صندلی تا حدی است که معمولاً یا ایشان را راه نمی دهند یا سوالات سخت و پرچالشی که ایشان مطرح می کند، مسئولان را می آزارد و آنان را برای محدودیت و ممنوعیت بیشتر برای ایشان، مصمم تر می سازد.

تعهد ایشان به رسالت و رسانه ای که در دست دارد تا آنجاست که اگر سری به سایت صدای معلم بزنید خواهید دید که ایشان در زیر یادداشت های تحلیلی و خبری ای که محتوای آن را شخصاً تهیه می کند امکان

ندارد نظر هیچ خواننده ای را بی پاسخ بگذارد که موید نظم و تلاش و احترام بی حد ایشان به مخاطبان است و صدالبته از عوامل جذب آنان.

از سوی دیگر آقای محمدحبیبی هم مستقلاً انسان وارسته و معلمی شریف و هزینه داده است و نشان داده که برای ماندن در مسیری که خود درست تشخیص می دهد، اربایی از پرداخت سنگین ترین هزینه ها هم ندارد و وضع محکومیت های قضایی و اداری ایشان، و صبر و مناعت طبع و بلند همتی خانواده محترمشان موید این مدعاست.

این معلم دلسوز، با وجود محرومیت و ممنوعیت از عرصه تدریس بارها نشان داده است که معلمی بالفطره است و خود بارها تاکید کرده است که معلم می ماند و طوفان های توئیتری معلمان از ایشان نشان داده است که او به مدد دیدگاه های نظری و کنش های عملی صادقانه، تاکنون توانسته است چه محبوبیتی در بین معلمان کشور بدست آورد و از منظر اجتماعی یکی از سرمایه دار ترین معلمان ایران است.

اما احساس خطر من دقیقاً از همین جا آغاز می شود که چه شده است که چنین وضعی پیش آمده و معلمی دلسوز و صادق، به معلم صادق و دلسوز دیگر، چنین اتهام سنگینی می زند و سرمایه بزرگی از معلمان کشور سرمایه ای دیگر را نفی می کند!؟

متأسفانه و بسیار متأسفانه، اعتراضات پرشور صنفی در این مقطع که معلمان و دیگر اقشار درگیر فشار اقتصادی هستند و حمایت آحاد معلمان از تصمیمات شورای هماهنگی، بجای آنکه فعالان و لیدرهای تشکل های معلمی به ویژه شورای هماهنگی را زیر چتر اتحاد و لیدرهای آنان را زیر سقف هوشمندی جمع کند برخی از معلمان تندرو را به این اشتباه انداخته است که برای مصادره تمام و کمال این حضور معلمان به نام و کام خود، باید تشکل ها و افراد معتدل تر را با کلیدواژه های عامل امنیتی تشکل های زرد و احزاب حکومتی بنوازند تا محبوبیت بیشتری پیدا کنند! اما غافل از آنند که بر شاخه نشسته اند و بون می برند.

البته این اظهار نظرات از برخی از آنان که در پی کسب معروفیت و محبوبیتی در این فضای غبار آلود ایجاد شده هستند تعجبی ندارد اما من شخصاً تعجب می کنم افراد شاخصی از کانون صنفی تهران و شورای هماهنگی، که سال ها درگیر پرونده و زندان بوده و هستند و خود به نماد صبر و نمود شرف معلمی تبدیل شده اند و حتماً درک درستی از سناریوهای تفرقه افکنانه و نگاه های بدبینانه امنیتی دارند، چرا

در این دام ها می افتند!؟

چرا که برخی از بزرگان صنفی، دیگر فعالان نامدار و گمنامی را که به دعوت وزیر در جلسه شرکت کرده و همان شعارها و مطالبات معلمان را در فضایی آرام تر و فاصله ای نزدیک تر و با لحنی رساتر و دور از حواشی خواسته و ناخواسته، در گوش مدیران کشوری و استانی تکرار می کنند، تخطئه و بلکه تکفیر می کنند و بیانیه های تند و تیز در سلب صلاحیت و مشروعیت این معلمان دلسوز صادر می کنند!؟

شرایط سخت و دشواری است. یادمان باشد، مطالبات و اعتراضات سراسری، منسجم، هوشمندانه و نجیبانه معلمان خیلی ها را به ترس و رشک انداخته است و ممکن است خیالاتی در دماغ شان بیورانند و بازی های پیچیده ای برای ما و جنبش بالغ و مسالمت آمیز معلمان بچینند!

شایسته نیست خودمان اسیر این بازی ها بشویم و با انگ زدن های بی انصافانه، ساده انگارانه و خدای ناکرده بد اخلاقانه به خرمن برآمده از اتحاد معلمان کبریت تفرقه بزنیم!!

منبع: کانال شخصی محمود صفدری: ☐☐

[T.me/mahmoodsafdari1354](https://t.me/mahmoodsafdari1354)